

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

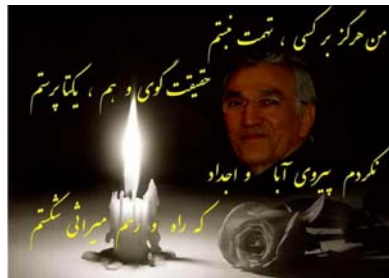
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۹



ونگشت و عثماد (۱)

چندیت، طبع کافر من در غلای
لذم بود که، کم کمی بر دوستان بیان
چندیت با طیب و پرستار و سرطیب
چندیت میخبر ز عزیزان و دوستان
حالا که، اندکی شده ام، با صحت قرین
لایک با پسند، دلم شاد کرده اند
لایک با پسند و فرستاده با مرغیش
یک یک جهان شکر و ممنون و اوقاتان
آقا نور! حرمت و تکبیر، مرترو
عمرض و اوتام به عزیز محترم
و محترم خورش که دیدش بسی وسیع
ممنون از جناب قیومی محترم
و او، با خلاصه نویسی خوشنیت
عمر صدیق محترم، آن شخص قدر دان
آقا و فضلی که شب و روز در تماس
یار و رفیق صادق و، دور از ریاستی

شمت که با سلاح لوب فیر، بر غنی
 طبع رولان و خامه پربار **دول عظمی**
 به ناز و نور پیمایش برد ز کف **نورس**
 مستوره دهقان که ز روشنگران عصر
 نازم به آن فرشته فرهنگ و از لوب
 دیونم از پیام **جناب فرهمند**
 یک باغ گل تشکر و یک فصل و تنان
دولسب! بنام تو، قلمم فخر میکند
 زیاست، نظم و ثرو پیام و پسند تو
 گوياست آن سروده ناب و صیج تو
 از اینکه میشناسی لام و یاد کرده اس
 در محترم **احقاق برکت** که در عمل
 ممنونم از **جمیده**، که دروژده هاسر نغز
 فوزیه جان پذیر، دلالت ازین حقیر
 زرغونه **ولی** که به روشنگریست طاق
 در محترم **صمیم** که با نام **روستان**
 تیرش همیشه بر همد ف و، نه خطاستی (۲)
 با نغز طنز، پاسر مد رولوستی
 دل رول لکر ز شاه و، وکر لکر دوستی
 تقریر پیام شان بخند و غمز دوستی
 با وژده هاسر ناب، دل از ما رباستی
 هم **عابد** و جاهد راه خد دوستی
 از محترم **بشیر** که بر ما دعاستی
 چون شاعر همیشه حقیقت سر دوستی
 با آفریده مات قیامت بیاستی
 عذرم پذیر ز لکه تعلل زماستی
 بس مهربان و مظهر جود و سخاستی
 محمد سخا و مصدر صلح و صفاستی
 از خامه اش نشار منی بیسنو دوستی
 زیر پیام خاص تو لام دلرباستی
 فاتح قاره دل شاه و کد دوستی
 خوش ذوق و شوق و سخن و نولو و صد دوستی

زرغون! شکر از تو و نغز بدله لوت در دفتر سخن، رستم بارولستی (۳)
 ظاهر! درود خاص مرا خدمت پذیر عطر نبشته مات عجب جانفروستی
 لطف شفیقه جان و فرستاده هارشان مشکین و غبرین و بسی عطرسازی
 با ذره پروریش، جناب مجید یار بر دست ناتوان عزیزان، عصاسازی
 سینا سر محترم! رقت، و فخر ما روشنگرانه، آنچه حقایق، نمانستی
 ممنونم از حسین، که عالی پسند و نیک خوش ذوق و با سلیقه و خوشین ماستی
 علوم عسریز! دلالت حضور تو با گل پیامی نغز، برلیم رولستی
 آقاسر کارگر! به تو تخت و درود ذره نواز و با کرم و، با صفاسازی
 تیمور! شکر از تو و هم از پیام تو زیرو که نخل پرور و هم با خناسازی
 آقاسر احمد سر! گل و گلزار مقدمت در بامید بر رخ ما کرده ولستی
 خان آقاسر سید، پی توثیق این حقیر بنوشته بر حیر دلم باطل ماستی
 راعی محترم! به تلفیون و فیسبوک آهمن ربا و که گهی هم کهنه بستی
 صدیق! لاسر که شهد سخن دل سر زبان بر و لژه بدر نگشته و، هرگز نمیشوم
 حلاو گاهی آید و گاهی کند فسر مارو که حرف لول و آخر وفاستی
 این نابولان که در پی صید پر سرخان در عشوه و کرشمه و، ناز و دلولستی
 «نعمت» لکچه دست نوشتن دچار در ریش سپید کوسه خود رو حناسازی
 و نکشت و عتماد، به دفع بلدستی